#روزنامه_زنده_است

روزنامه‌های ما و تقابل با فضای مجازی

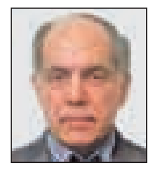

کوروش احمدی

در مقاله شهرام فرهنگی (اعتماد، ۲۳ فروردین ۹۷) در مورد وضعیت نشریات مکتوب در ایران ناامیدی موج می‌زند. او باخت نشریات مکتوب به فضای مجازی را به نوعی محتوم می‌شمارد و «خبر» را «نقطه ضعف بزرگ مطبوعات ایران در بازی مقابل رسانه‌های مجازی!» می‌داند و توضیح می‌دهد: «هنوز بازی شروع نشده -مثلا حوالی ساعت ۱۲ ظهر- رسانه‌های مجازی تمام خبرهای مهم روز را در اختیار مخاطب قرار داده‌اند. تا صبح فردا هم آنقدر خبرهای جذاب روز گذشته گوشی به گوشی، نگاه به نگاه می‌گذرند که وقت رفتن سر کار، دیگر کسی به کیوسک حتی نگاه هم نمی‌اندازد.» سپس می‌پرسد: «با این درد چه باید کرد؟!» پاسخی که او خود به این سوال می‌دهد این است که روزنامه‌ها از خیر خبر بگذرند چون در این حوزه قادر به رقابت با فضای مجازی نیستند. اما از آنجا که عنصر اصلی در روزنامه باید خبر و تحلیل خبر باشد، این راه‌حل یعنی منتفی کردن علت وجودی روزنامه و تسلیم شدن در برابر فضای مجازی بی‌در و پیکر و اغلب بی‌قاعده و بی‌ضابطه. راه‌حل پیشنهادی من این است که نگاهی به تجربه غول‌های مکتوب مانند نیویورک تایمز، لوموند، گاردین و... بیندازید. من تخصصی در فن و حرفه روزنامه‌نگاری ندارم، اما به اقتضای شغل چند ده سال غول‌های مکتوب مانند چند مورد فوق را تقریبا همه‌روزه یا ورق زده یا آنها را در نسخه‌های دیجیتالی دنبال کرده‌ام. آنها به راحتی خود را با عصر دیجیتال تطبیق داده و حتی از آن بهره برده‌اند. از تجربیات آنها درس بگیرید. آدم‌های جدی در امور جدی، فضای مجازی را، شاید جز برای بازنشر، خیلی جدی نمی‌گیرند. این آدم‌ها که در ایران پرشمار هم هستند، آماده‌اند که برای دریافت خبر و تحلیل آن و نیز طرح نظرات خود اولویت را به روزنامه‌ها بدهند، اما به شرطی که روزنامه‌ها نیز حرکتی در جهت تطبیق خود با شرایط دنیای دیجیتال انجام دهند. بی‌شک، طی سال‌های اخیر فن‌آوری‌ها در حوزه رسانه به نحو بارزی در حال تغییر بوده و روش رساندن خبر و تحلیل به مصرف‌کنندگان متحول و متعدد شده و متناسب با آن، سلیقه و خواست «مصرف‌کننده خبر» نیز تغییر کرده است. روزنامه‌هایی که به این امر توجه داشته و کوشیده‌اند که خود را با شرایط جدید تطبیق دهند نه تنها لطمه نخورده‌اند بلکه رشد نیز داشته‌اند. در این رابطه نمونه‌های بسیاری را می‌توان مثال زد. طی سال‌های اخیر، تیراژ نسخه چاپی نیویورک تایمز از حدود یک میلیون و دویست هزار به حدود ۵۷۰ هزار نسخه در روزهای هفته کاهش یافته است. در مقابل، این روزنامه به قول خودش «با جهت‌گیری راهبردی در جهت تقویت بازوهای دیجیتالی» مجموع مشترکین خود اعم از چاپی، وب و موبایل را به ۳ میلیون رسانده است. از سال ۲۰۱۱ که نیویورک تایمز استفاده مستمر از نسخه دیجیتالی را موکول به پرداخت مبلغی کرد، تعداد مشترکین وب‌سایتش به حدود یک و نیم میلیون در ۲۰۱۶، یعنی حدود نیم میلیون بیشتر از ۲۰۱۵، رسید و این رشد همچنان ادامه دارد. این نسخه‌های دیجیتالی در ۲۰۱۶ در هر ماه ۱۲۲ میلیون بازدیدکننده داشته‌اند. طبعا متناسب با رشد نسخه‌های دیجیتالی، درآمدهای روزنامه نیز رشد یافته و در ۲۰۱۶ به بیش از ۶۰۰ میلیون دلار از تبلیغات و بیش از ۸۰۰ میلیون دلار از اشتراک رسید. این استراتژی درست از جمله به نیویورک تایمز امکان داده که در حدود ۱۵۰ کشور خبرنگار داشته باشد؛ در حالی که سیاست خارجی تنها یکی از اولویت‌های آن است. البته لازم به ذکر است که این روزنامه در تمام روزهای سال بدون حتی یک روز تعطیلی منتشر می‌شود. تقریبا همه روزنامه‌ها در همه کشورها راهبرد مشابهی را اتخاذ کرده‌اند. از جمله در کشورهای منطقه مانند پاکستان، ترکیه و... هر چند در روش‌ها تفاوت‌هایی دیده می‌شود. مثلا وب‌سایت گاردین در انگلیس مجانی است و در همه صفحات از خوانندگان دعوت می‌کند که بطور داوطلبانه کمک مالی کنند. این در حالی است که روزنامه‌های ایران، جز یک مورد، وب‌سایت ندارند و حضور آنها در دنیایی دیجیتالی تنها منحصر به آپ‌لود کردن PDF روزنامه در نیمه‌های شب و قطع ارتباط با خواننده برای ۲۴ ساعت است. طبعا در این فاصله میدان به شبکه‌های اجتماعی واگذاشته می‌شود و خواننده که در این مدت طولانی با سایت‌ها با هر سطحی از کیفیت خو گرفته، دیگر شاید علاقه و انگیزه‌ای نیز برای بازگشت نسخه چاپی یا PDF هم نداشته باشد. چنین وضعیتی عوارض جانبی مهمی نیز داشته است. مثلا موجب شده تا روزنامه‌های ایران به علت عقب بود از فضای مجازی در بخش خبر و تحلیل خبر دچار ضعف شدید شوند، یعنی بخشی که قاعدتا باید مهم‌ترین بخش یک روزنامه باشد. در مقابل، مقاله‌های وارده به روزنامه که حاوی نقطه نظرات مختلف است و در دنیای انگلیسی زبان Op-Ed خوانده می‌شود، بخش عمده‌ای از صفحات روزنامه، از جمله صفحه اول، را اشغال می‌کند و روزنامه‌های ما به نوعی رقیب مجله‌ها شده‌اند. بی شک، اگر روزنامه‌های ما درصدد تطبیق خود با تحولات جدید برنیایند موضوعیت خود را بیش از پیش از دست خواهند داد. بر عکس، اگر راهبرد درستی اتخاذ کنند، بی‌تردید صدها هزار ایرانی آماده‌اند که روزنامه‌ها را به فضای مجازی بی‌در و پیکر ترجیح داده و از جمله از نظر مالی نیز کمک کنند. ضمن اینکه درآمد حاصل از تبلیغات در سایت‌ها می‌تواند منبع مالی قابل توجهی نیز برای روزنامه‌ها باشد و گشایشی در کار آنها ایجاد کند. وضعیت کنونی از نظر مالی به معنی خسران مضاعف است. یعنی روزنامه‌ها نه تنها از درآمدهای حاصل از وب‌سایت‌ها محروم می‌مانند، بلکه بسیاری نیز به مرور به نسخه‌های PDF رایگان اکتفا می‌کنند و این یعنی خسران مالی مضاعف برای روزنامه‌ها. بی‌شک، ظرفیت و توانایی‌های خوب موجود در روزنامه‌های ما می‌تواند و باید مبنایی محکم برای اتخاذ راهبرد درست توسط این روزنامه‌ها باشد.

زلزله‌نگاری

این آب از آسیاب نمی‌افتد

فاروق مظلومی

حادثه، زمان و مکان نمی‌شناسد؛ دریای آزاد یا بالای کوه ندارد. سال گذشته هنوز سانچی را از دل‌ها و دریاها بیرون نکشیده بودیم که قله سفید دنا سیاه شد و اندوه پرواز یاسوج غرق‌مان کرد. دو حادثه در دو نقطه که نزدیک چهارهزار متر اختلاف ارتفاع دارند. جغرافیا را که مرور می‌کنیم کمتر کشوری را می‌بینیم که کنار کوه‌های بلند با قله‌های بالای چهارهزار متر، دشت‌هایی وسیع با ارتفاع کمتر از دویست متر داشته باشد. ایران زیباست و زیبایی هزینه دارد و از هزینه‌هایش همین گسل‌های طویل هستند که مرموز و آرام خوابیده‌اند و بی‌وقت بیدار می‌شوند یا همین کوه‌های زیبا اما سخت و مصعب برای عبور که به وقت حادثه عُسر و حرج هر بیابانگرد و کوهنوردی هستند. خاورمیانه حادثه‌خیز است و دنیا هم خیز بزرگی برداشته است برای حادثه‌سازی در خاورمیانه. خزیدن دنیا به سمت خاورمیانه حس مالوف ما شده است و باکی نیست. اما برای اتفاقات طبیعت یا اشتباهات طبیعی چقدر آماده‌ایم. یکی از کارهای خوب سازمان مدیریت بحران شهرداری تهران تشکیل گروه‌های «دوام» است. دوام خلاصه «داوطلبان واکنش اضطراری محلات تهران» است. من دوامی‌ها را دیده‌ام. آدم‌های خوبی هستند که وقت و نیروی‌شان را بی‌دریغ در اختیار انسان‌های دیگر گذاشته‌اند تا به وقت حادثه کمک‌شان کنند. آنها آموزش‌های تقریبا مکفی را برای این امر مهم دیده‌اند. منظور از واکنش اضطراری را نمی‌فهمم چون مثل باقی امور جهان در مورد مدیریت بحران هم چیزی نمی‌دانم ولی به ذهن کوچکم می‌رسد حتما واکنش اضطراری قرار گرفتن در جریان احساسات عمومی نیست. همه‌مان شنیده‌ایم که حفظ خونسردی اولین گام در مدیریت حادثه است. بی‌دلیل نبود که شبکه‌های تلویزیونی خارجی از نوع زرنگ، ویدیوی گروه محلی‌های دناکوه را که با چوبه دستی و سربند پارچه‌ای قصد صعود به قله چهار هزارمتری را داشتند بارها پخش کرد. فارغ از نیت بزرگ و احترام‌برانگیز این هموطنان عزیز، آیا صعودی با مشخصات ذکر شده، شروع حادثه‌ای جدید نبود؟ قطعا از بنده و بسیاری دیگر از هموطنان جانم انتظاری نیست که در مواقع بحرانی، دچار احساسات نشویم و کارهای عجیب نکنیم و حتما باید برای رویارویی با چنین لحظات، آموزش‌های لازم را ببینیم. اما این انتظار از وزیر محترم راه و شهرسازی حداقل طلبِ یک ملت مطالبه‌گر است. سئوال اول این است وزیر محترم در کدام قسمت تشکیلات مدیریت بحران قرار می‌گیرد؟ شاید بهتر بود ایشان در استانداری یا حداکثر در پایگاه مدیریت بحران منطقه‌ای حضور می‌داشتند تا در اخذ تصمیمات کلان موثر باشند. مثلا رییس محترم مدیریت بحران کشور باید بعد از زلزله در آواربرداری منازل شرکت کند؟ و حتما با سر و صورت خاک‌آلود جلوی دوربین برود؟ ویدیوی نظارت دقیق، جدی و احساساتی جناب وزیر از داخل هلیکوپتر برای کشف محل سقوط هواپیما بارها و بارها از شبکه‌های داخلی و خارجی پخش شد. شبکه‌های داخلی نمی‌دانستند که پخش این ویدیو تحسین آقای وزیر نیست اگر هم می‌دانستند شاید چاره‌ای نداشتند ولی شبکه‌های خارجی خوب می‌دانستند چه می‌کردند. این نظارت هوایی برای بخشی از بازدید یک مقام عالیرتبه از مناطق زلزله زده، پذیرفتنی و احترام‌برانگیز بود ولی برای جست‌وجوی شیار به شیار محل سقوط یک هواپیما کمی مشکوک، مقداری عجیب و اندکی دور از ذهن جهان به نظر می‌رسید. مصاحبه ایشان در محل حادثه با کت و شلوار مناسب جلسه هیات دولت و لباس رسمی خبرنگار صدا و سیما از دیگر نکات ظریف این ویدیوها بود. در سال ۹۷ اگر در زمستان سرد در منطقه کوهستانی برای همراهی حضور پیدا کردید لطفا وضعیت همراهی و آمادگی داشته باشید باور بفرمایید شلوار شش‌جیب جنگی، اصلا لباس مذمومی نیست و آماده‌تر نشان‌تان می‌دهد. همیشه آماده واکنش اضطراری باشیم نه اضطرابی. که آب حادثه هرگز از آسیاب نمی‌افتد حتی سال ۱۳۹۷ هجری شمسی.

ادامه از صفحه اول

امید به رسیدگی دادستانی

از همین رو برخلاف برخی از اعضای شورای شهر تهران و شهروندان تهرانی براین باورم که عدم انتشار سرفصل‌ها یا جزییات پرونده‌های تخلفی که نجفی از آنها یاد می‌کند، کار درست و منطقی بوده است چرا که اشاره کوتاه و مختصر و تیتروار در اینگونه موارد می‌تواند فقط واکنش‌های احساسی از سوی جامعه را به دنبال داشته باشد و حتی مسیر پرونده را تحت‌الشعاع قرار دهد. ولی در عین حال نکته اینجاست که اصولا در تمامی سیستم‌های قضایی کشورهای مختلف رگه‌هایی از سیاسی کاری به چشم می‌خورد که این آفت در کشور ما بیشتر است و بسیاری از پرونده‌های قضایی در گیرودار مصلحت‌اندیشی و دیدگاه‌های سیاسی قرار دارند. به شخصه معتقدم که در مورد پرونده‌های یاد شده نیز همین اتفاق افتاده است. در مورد پرونده‌های ارسالی از سوی شهردار قبلی تهران نیز قطعا دادستانی پرونده را رویت و مطالعه کرده است ولی اینکه این پرونده قرار است «کی» و در چه «زمانی» برای ضرب‌شست نشان دادن به کسی، بحث دیگری است. مثلا وقتی که قرار باشد دکتر قالیباف «برود» ممکن است این پرونده با سرعت بیشتری پیگیری شود که اینها از قبل و براساس همان سلایق سیاسی پیش‌بینی و طراحی می‌شود. البته شاید هم هیچگاه بنابر مصالح، این پرونده‌ها به جریان نیفتند کما اینکه عمیقا معتقدم که این پرونده‌ها به نوعی مستقیمانه تنها با استعفای نجفی ارتباطی تنگاتنگ دارد که حتی یکی از چالش‌های شورای شهر جدید برای انتخاب شهردار بعدی تهران است. مسلما اعضای شورا تلاش خواهند کرد تا فردی را به جای نجفی به عنوان شهردار انتخاب کنند که بتواند مانند وی عزمی راسخ برای مبارزه با فساد داشته باشد و راه او را ادامه دهد. کوتاه سخن آنکه، درست است که در بسیاری از موارد، عکس‌العمل‌ها و تصمیمات قضایی در رسیدگی به پرونده‌ها، چندان برمبنای حقوقی گرفته نمی‌شود ولی با این حال امیدواریم دادستانی به دور از هیجان زدگی و با رعایت اصول و موارد حقوقی چنان عمل کند که افکار عمومی به این یقین برسند که حقیقتا، پرونده‌هایی که نجفی به آنها سپرده با طی مراحل طبیعی و قانونی به سرانجام برسد.

گزارش

گلایه غیربومی‌ها از نبود خدمات درمانی مناسب در جزیره هرمز

«الماس» خلیج‌فارس حتی یک پزشک متخصص ندارد

بهره برداری از
اولین آمبولانس مدرن و پیشرفته
دریایی اورژانس ۱۱۵
حقانی
۱۰

نادر ناصری /ایرنا

گروه اجتماعی

سال ۱۳۹۳، رسانه‌های محلی استان هرمزگان نوشتند که از ۱۰ سال قبل به این سو، مشکلات درمانی ساکنان جزیره هرمز که فقط در ظاهر به «الماس» خلیج‌فارس شهرت دارد، به وضعیت نگران‌کننده‌ای رسیده است. سال ۱۳۹۴، رسانه‌های محلی استان هرمزگان هشدار دادند که با وجود حاد شدن وضعیت خدمات درمانی ضعیف و ناکافی در جزیره هرمز، سلامتی مردم این جزیره گرانبها به طور جدی در معرض خطر است.

شنبه، ۲۵ فروردین سال ۱۳۹۷ امام جمعه جزیره هرمز با مسوولان استانی و کشوری اتمام حجت کرد که اگر برای حل مشکلات بهداشت و درمان ساکنان جزیره هرمز چاره‌اندیشی سریع نشود، برخورد جدی‌تری در انتظار متولیان سلامت خواهد بود. اما باز هم هفته‌ای خواهد گذشت و مقامات استانی با وعده‌های موقت، شعله خشم ساکنان هرمز را فرو می‌نشانند و امید می‌بندند که دغدغه مشکلات اقتصادی که از در و دیوار زندگی مردم بالا می‌رود، دوباره مردم را دچار فراموشی کرده و پیدا کردن راه‌حل برای پر کردن چاله‌های زندگی‌شان، باعث شود جای خالی خدمات درمانی مکفی و استاندارد را از یاد ببرند تا چند وقتی بگذرد و معتمد محل یا گردشگر یا یک فرد دلسوز ناآشنا با الفبای سیاست، دوباره به یاد جای خالی آمبولانس دریایی و اورژانس هوایی بیفتد و یک اعتراض رسانه‌ای دوباره، خواب و آرام مسوولان استانی را متزلزل کند.

این‌بار، ساکنان غیربومی جزیره هرمز و نمایندگان مردم در مرکز استان از آنچه شاهد هستند، از فراموش شدن مردم جزیره و از نادیده گرفته‌شدن دردهای هرمزی‌ها، دل‌شان سوخت و معترض شدند نسبت به تمام اخباری که تا امروز درباره توسعه و تجهیز خدمات بهداشت و درمان در الماس خلیج‌فارس منتشر شده اما کمتر از نیمی از این اخبار، واقعیت دارد. آبان ماه سال ۱۳۹۰ رییس وقت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی هرمزگان از نصب تجهیزات آمبولانس دریایی هرمز خبر داد و اعلام کرد که «این شناور مجهز به سه تخت حمل بیمار و دارای کلیه تجهیزات پزشکی و اورژانسی موردنیاز است که طی قراردادی به شرکت تعاونی مدکندالوقشم برای ساخت واگذار شده بود که در موعد مقرر آماده شده است. تجهیزات آمبولانس دریایی هرمز بر اساس استانداردهای لازم برای حمل بیمار نظیر شوک، تنفس ترکیبی، نوار قلب تعبیه شده و در سامانه ناوبری آن نیز تجهیزات راهبری دریایی در شب به‌کار گرفته شده و این سامانه همزمان با عید سعید قربان وارد ناوگان فوریت‌های پزشکی استان می‌شود و می‌تواند به مردم شهیدپرور جزیره هرمز خدمات درمانی ارایه دهد.» خرداد ۱۳۹۳ هم مدیر وقت مرکز توسعه سلامت هرمز از راه‌اندازی اورژانس هوایی ۱۱۵ جزیره هرمز با همکاری نیروی دریایی سپاه خبر داد و اعلام کرد: «بسیاری از مناطق دورافتاده، محروم از خدمات درمانی هستند و با روندی که دولت تدبیر و امید اتخاذ کرده در چند سال آینده مناطق دورافتاده کشور نیز شاهد حضور پزشک و پرستار می‌شوند که این اوج درایت و توانمندی دولت امیداست. برای افزایش رفاه بیماران و همراه آنها اقدامات ویژه‌ای در حال انجام است و واحد دیالیز این مرکز برای سهولت در رفت و آمد بیماران دیالیزی راه‌اندازی شده و همچنین راه‌اندازی آزمایشگاه مجهز، واحد دندانپزشکی و اعزام پزشکان متخصص به این جزیره از اقدامات این مرکز است و پیگیر این هستیم که مرکز بهداشتی درمانی هرمز را به یک مرکز شبانه‌روزی تبدیل کنیم.»

احمد نادعلیان، هنرمندی که ظرف ۱۲ سال گذشته، ۷ سال به طور مستمر ساکن جزیره هرمز بوده هم در تایید شدت مشکلات بهداشت و درمان جزیره، به «اعتماد» گفت: «آنچه من در این سال‌ها شاهدم این است که جزیره هرمز، فاقد آمبولانس دریایی است. یک آمبولانس دریایی داشته و خراب شده و هزینه تعمیر، پرداخت نشده و به همین دلیل هم امروز، آمبولانس دریایی ندارد. خدمات پزشکی در تنها درمانگاه جزیره هم در حد حضور چند پزشک عمومی است.

دو روز قبل اما خبر رسید که «جوان هرمزی به دلیل نبود آمبولانس دریایی فوت کرد.»

در متن خبر و به نقل از خبرنگار استانی خبرگزاری مهر آمده بود که «جوان ۱۸ ساله هرمزی که در سانحه رانندگی دچار حادثه شده بود به دلیل تاخیر در اعزام آمبولانس دریایی از قشم به هرمز، جان سپرد. مصطفی جاشونیا که ظهر پنجشنبه بر اثر سانحه تصادف مجروح شده بود، به درمانگاه هرمز منتقل شد، اما به دلیل عدم ارایه خدمات مناسب و نبود امکانات کافی، دستور اعزام او به مرکز استان صادر شد که به دلیل نبود آمبولانس دریایی در جزیره هرمز و انتظار برای اعزام این آمبولانس از قشم و بندرعباس عصر پنجشنبه جان خود را از دست داد.»

این خبر، راز پنهانکاری مسوولان استانی درباره ضعف شدید خدمات درمانی در جزیره هرمز را فاش کرد چرا که پس از انتشار این خبر بود که معلوم شد نه تنها آمبولانس دریایی هرمز، مدت‌هاست که دیگر در اختیار این جزیره نبوده و به جزیره قشم منتقل شده بلکه از اورژانس هوایی هم خبری نیست و مرکز درمانی «مجهز» هم در این جزیره، صرفا یک درمانگاه فاقد آزمایشگاه و رادیولوژی و دیالیز و سایر امکانات تخصصی است که پزشکان عمومی برای گذراندن طرح به این درمانگاه اعزام می‌شوند؛ پزشکانی که در دوران گذراندن طرح حتی تسلط به درمان‌های تخصصی ندارند و برای هر ارجاع، باید از اینترنت و اطلاعات محفوظ در گوشی تلفن همراه خود کمک‌بگیرند.

به دنبال انتشار این خبر، مدیر اورژانس استان هرمزگان هم در گفت‌وگو با مهر اعتراف کرد که «تخصیص نیافتن اعتبار برای خرید آمبولانس دریایی هرمز یکی از مشکلات پیش روی جزیره‌نشینان هرمز است.»

به دنبال انتشار اخباری از واقعیت تلخ وضعیت نامناسب خدمات درمانی در این جزیره که حدود ۷ هزار نفر جمعیت در خود جا داده، کیانوش جهانبخش؛ عضو شورای شهر بندرعباس هم در گفت‌وگو با «اعتماد» گفت: «طبق قانون، جمعیت هلال احمر صرفا باید در زمان بحران خدمت‌رسانی کند اما شرایط نامناسب خدمات درمانی در جزیره هرمز در حدی بحرانی است که باید یک پایگاه امداد هوایی و دریایی در این جزیره مستقر شود. البته خدمات درمانی در کل استان هرمزگان قابل قبول نیست و حتی سرانه تخت بیمارستانی در کل استان در مقایسه با سرانه استاندارد، در حد فاجعه است، چنانکه بندرعباس به عنوان مرکز استان، فقط یک بیمارستان عمومی دارد اما باید هر روز پذیرای تعداد قابل توجهی از ساکنان جنوب کرمان باشد. اما شرایط جزیره هرمز به این دلیل قابل هشدار است که این جزیره با وجود زیبایی طبیعت بکر اما از حداقل امکانات درمانی آن هم با وجود ۸ هزار نفر جمعیت محروم است. جزیره هرمز آمبولانس دریایی و پایگاه هوایی اورژانس ندارد و امکانات پزشکی جزیره هم جوابگوی مراجعات روزانه مردم نیست و به همین سبب، هر روز شاهد آمد و رفت ساکنان جزیره به بندرعباس، آن هم برای درمان‌های بسیار ساده‌هستیم.»

احمد نادعلیان، هنرمندی که ظرف ۱۲ سال گذشته، ۷ سال به طور مستمر ساکن جزیره هرمز بوده هم در تایید شدت مشکلات بهداشت و درمان جزیره، به «اعتماد» گفت: «آنچه من در این سال‌ها شاهدم این است که جزیره هرمز، فاقد آمبولانس دریایی است. یک آمبولانس دریایی داشته و خراب شده و هزینه تعمیر، پرداخت نشده و به همین دلیل هم امروز، آمبولانس دریایی ندارد. خدمات پزشکی در تنها درمانگاه جزیره هم در حد حضور چند پزشک عمومی است که برای گذراندن طرح می‌آیند و حتی قادر به خدمات‌رسانی به زنان باردار در آستانه زایمان هم نیستند. بارها گزارشی داشتیم که همراهان یک بیمار اورژانسی، درخواست خدمات امدادی از بندرعباس داشته‌اند اما مسوول این خدمات به ماموریت دیگری اعزام شده و همراهان ناچار شده‌اند بیمار بدحال را با تندروهای مسافری به بندر برسانند آن هم در حالی که فاصله جزیره هرمز تا بندرعباس با قایق‌های تندرو، حدود ۴۵ دقیقه است و سپری شدن چنین فاصله زمانی با فوریت‌های پزشکی ناسازگار است. من چند سال قبل که بر اثر سکته قلبی، دو سوم کارآیی قلبم را از دست دادم، امروز در حالی در جزیره هرمز اقامت فصلی دارم که بارها از خودم پرسیده‌ام، اگر در این جزیره، برای من مشکلی ایجاد شود، چه کسی و چگونه من را به کدام متخصص خواهد رساند چون در این جزیره هیچ پزشک متخصصی حضور و وجود ندارد.»

عبدالحمید گلزاری، روحانی مسجد حضرت ابوالفضل(ع) جزیره هرمز: ۸ ماه قبل، آمبولانس خراب شد و برای تعمیر فرستادند به جزیره قشم و مسوولان شرکت، گفتند که خرابی این آمبولانس، کار ناخداها بوده و اهالی جزیره هرمز، لیاقت آمبولانس دریایی ندارند. هزینه تعمیر آمبولانس هم حدود ۱۵۰ میلیون تومان برآورد شد و مسوولان منطقه آزاد قشم هم آمبولانس را ضبط کردند و گفتند ساکنان هرمز هر وقت نیاز به آمبولانس داشتند، از قشم اعزام می‌کنیم.

عبدالحمید گلزاری، روحانی مسجد حضرت ابوالفضل(ع) جزیره هرمز هم در گفت‌وگو با «اعتماد» از شرایط نامناسب خدمات درمانی در جزیره هرمز گلایه می‌کند و می‌گوید: «ساکنان این جزیره، واقعا از نظر دریافت حداقل امکانات درمانی هم در مضیقه هستند. روز گذشته، در جمع اعضای شورای شهر، نام ۹ نفر از ساکنان جزیره را روی کاغذ نوشتم که طی سه سال گذشته، به دلیل نبود امکانات درمانی و آمبولانس فوت کرده بودند. البته برای جزیره آمبولانس دریایی فرستادند اما همان ابتدا هم ناخداهای جزیره که وضعیت شناور را دیدند گفتند که این آمبولانس، استانداردهای لازم را ندارد و عنقریب، از کار می‌افتد که همین طور هم شد. طی مدتی که آمبولانس کار می‌کرد، قیمت بالای سوخت در این جزیره باعث شده بود که وقتی همراهان، بیمار خود را برای اعزام نزد پزشک می‌بردند، پزشک می‌گفت اول بروید سوخت تهیه کنید تا من برگه اعزام بنویسم. ۸ ماه قبل، آمبولانس خراب شد و برای تعمیر فرستادند به جزیره قشم و مسوولان شرکت، گفتند که خرابی این آمبولانس، کار ناخداها بوده و اهالی جزیره هرمز، لیاقت آمبولانس دریایی ندارند. هزینه تعمیر آمبولانس هم حدود ۱۵۰ میلیون تومان برآورد شد و مسوولان منطقه آزاد قشم هم آمبولانس را ضبط کردند و گفتند ساکنان هرمز هر وقت نیاز به آمبولانس داشتند، از قشم اعزام می‌کنیم آن هم در حالی که فاصله قشم تا هرمز، حدود یک ساعت راه است. متاسفانه فرماندار هرمز هم به گلایه مردم اهمیتی نمی‌دهد در حالی که شنیده‌ام برخی روستاهای بندرعباس با هزار و ۵۰۰ نفر جمعیت، هم بالگرد امداد دارند و هم به دو دستگاه آمبولانس مجهزند اما جزیره هرمز که ۸ هزار نفر جمعیت دارد و به دلیل جذر و مد دریا، عملا از ساعت ۶ عصر تا ۸ صبح فردا، هیچ ترددی امکان‌پذیر نیست و مردم جزیره، با آب محصور می‌شوند، از آمبولانس دریایی و امداد هوایی محروم هستند. تنها درمانگاه جزیره هم خدمات در حد ساکنان جزیره ندارد چرا که پزشک متخصص نداریم و فقط پزشکان عمومی در این درمانگاه حضور دارند که حتی تحصیلات‌شان هم تکمیل نشده. چندی قبل هم تمام تجهیزات آزمایشگاهی و دیالیز مستقر در درمانگاه را از جزیره خارج کردند و حالا این مردم فقیر، باید برای ساده‌ترین خدمات آزمایشگاهی، ۱۴ هزار تومان هزینه رفت و برگشت به بندرعباس بدهند در حالی که بارها در دفتر امام جمعه جزیره، شاهد حضور مردمی بوده‌ام که می‌آیند و از درد قلب رنج می‌برند اما قادر به پرداخت کرایه رفت و آمد به بندرعباس برای مراجعه به پزشک متخصص‌نیستند.»

آب و هوا

احد وظیفه، مدیر کل پیش‌بینی سازمان هواشناسی بارش‌های اخیر را تحلیل کرد

سفیدپوش شدیم ولی مشکل کم‌آبی پابرجاست

حمیدرضا خالدی

دیروز بسیاری از شهرها و استان‌های کشور هوایی بارانی و حتی برفی را تجربه کردند. برفی که ارتفاع آن در محور هراز به بیش از ۴۰ سانتیمتر رسید و به نوعی رکوردی بی‌سابقه را در مورد بارش برف‌های بهاری برجا گذاشت؛ بارش‌هایی که گره ترافیکی تهران را کورتر کرد و باعث شد تا محور هراز مسدود شود. با این وجود «احد وظیفه» مدیرکل پیش‌بینی و هشدار سریع سازمان هواشناسی کشور بارش‌های اخیر را فرآیندی عادی در فصل بهار دانسته و گفت: براساس اطلاعات ثبت‌شده در ایستگاه‌های هواشناسی بارش‌های تجمعی نسبتا خوبی در یکی -دو روز اخیر داشته‌ایم که می‌تواند نویدی باشد برای کاهش خشکسالی و عواقب آن. وی افزود: اما واقعیت این است که بارش‌های زمستان گذشته چنان کم بودند که بارش‌هایی اینچنینی نمی‌تواند دردی از مشکل کشورمان را کاهش دهد... در بررسی این آمار همین بس که در بسیاری از استان‌های کشور مثل چهارمحال و بختیاری که همواره منشا رودها و رودخانه‌های مختلف در اقصی نقاط ایران بودند، بارش‌ها در زمستان گذشته تا ۵۰ درصد کاهش داشته، در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان، این کاهش به ۷۰ درصد هم رسیده است. بنابراین طبیعی است که بارش‌های نسبتا خوب چند روز اخیر نمی‌تواند جبران این حجم از خشکسالی باشد.

وی در مورد پیش‌بینی سازمان هواشناسی برای استمرار این بارش‌ها و تاثیر آن در کاهش خشکسالی در کشور نیز گفت: براساس بررسی‌های انجام شده روی الگوهای هواشناسی، به نظر می‌رسد بارش‌ها در فصل بهار امسال درحد نرمال و در برخی موارد زیر نرمال باشد و بعید است که بتواند جبران کاهش بارش در زمستان را بکند.

وظیفه در ادامه با اشاره به وضعیت مناطق مختلف در چند روز آینده نیز گفت: با توجه به ورود سامانه‌ای جدی از سمت غرب به کشور پیش بینی می‌شود که امروز بخش‌های مرکزی و استان‌های مانند قزوین و تهران نیز تحت‌تاثیر این سیستم قوی قرار گیرند و امروز شاهد بارش‌های نسبتا شدیدی در تهران باشیم.

مدیرکل پیش‌بینی و هشدار سریع سازمان هواشناسی کشور در مورد احتمال بارش برف در تهران نیز گفت: برعکس تصور عامه، برفی که دیروز بارید چیز استثنایی و جدیدی نبود، بلکه در سال‌های قبل هم چنین بارش‌هایی را داشته‌ایم. ولی نکته حایز اهمیت این است که امروز هم شهروندان تهرانی می‌توانند شاهد بارش برف در ارتفاعات تهران باشند که در عین زیبایی ممکن است برای شهروندان و شهر مشکلاتی را به همراه داشته باشد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به کاهش دما در یکی -دو روز آینده اشاره کرده و گفت: با حضور سامانه جدید انتظار داریم امروز شاهد کاهش ۶-۵ درجه‌ای دما در تهران و بسیاری دیگر از شهرهای کشور باشیم که نتیجه بارش‌ها در این مناطق است.

اما این بارش‌ها تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟ سوالی که وظیفه در پاسخ به آن گفت: برمبنای تجزیه و تحلیل نقشه‌ها، سامانه پرفشار یاد شده روز سه‌شنبه به تدریج از شرق و شمال شرق تهران خارج شده و همزمان شاهد افزایش دما در نقاط مختلف کشور خواهیم بود. گرچه امیدواریم در بهار امسال شاهد ورود سامانه‌های بارش‌زای دیگری هم باشیم تا هم حجم خشکسالی و کمبود آب در کشور کاهش پیدا کند و هم هموطنان از زیبایی و طراوت این بارش‌ها لذت ببرند.

بارش‌های اخیر در حالی چهره تهران و استان‌های کشور را بهاری کرد که در همین فاصله دو شهر «زاهدان» و «یزد» با قطع آب مواجه بودند. قطع آب یزد موجب شد استاندار این استان در تهران حاضر شود و در جلسه مسوولان امنیتی حضور یابد. خبرها از سیستان و بلوچستان نیز حکایت از آن دارد که در حالی که آبرسانی با تانکر جریان دارد تلاش برای حل معضل پیش آمده در انتقال آب از زابل به زاهدان در جریان است.

خبر روز

واکنش مسوولان استان لرستان به فیلم تیراندازی در خیابان:

فیلم، قدیمی است ولی مرتکبان دوباره دستگیر شدند

گروه اجتماعی

روز گذشته ویدیویی یک دقیقه‌ای در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد که تیراندازی چند مرد در خیابان را نشان می‌داد. صحنه اول فیلم با تیراندازی به چراغ روشنایی خیابان و ترکاندن آن شروع می‌شد. تیراندازی به چراغ‌ها ادامه دارد. فیلمبردار یا شخصی در اطرافش نام افرادی را که مشغول تیراندازی هستند، صدا می‌کند و آنها می‌خندند و به تیراندازی ادامه می‌دهند. لامپ دیگری بعد از چند شلیک معدوم می‌شود. بعد از آن صدای مداوم شلیک تیر هوایی اجازه نمی‌دهد هیچ صدای دیگری به گوش برسد. مردهای جوان وسط خیابان قدم می‌زنند و با کلاشینکف تیر هوایی می‌زنند. فیلم با بالا بردن دستان یکی از مردها و قطع تیراندازی‌ها تمام‌می‌شود.

از همان لحظه اولی که فیلم منتشر شد، گفتند که این اتفاق در خرم‌آباد استان لرستان افتاده است. بعد از مدتی اما برخی مسوولان شهر خرم‌آباد تکذیب کردند و گفتند فیلم برای خرم‌آباد نیست اما فیلم با اشاره به اینکه شهر محل وقوعش کجاست، به سرعت در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد. «اردشیر دریکوند» رییس شورای شهر خرم‌آباد در گفت‌وگو با «اعتماد» درباره این ویدیو گفت: «من در جریان نیستم. این ویدیو واقعیتی است که پخش شده اما اینکه خرم‌آباد است یا استان دیگری را نمی‌دانم.» او در پاسخ به این سوال که شما در خرم‌آباد حضور دارید، چگونه از بروز چنین حادثه‌ای بی‌خبر هستید؛ پاسخ داد: «خرم‌آباد نیست. من هرچقدر نگاه کردم آن خیابان در خرم‌آباد نیست شاید هم من خیابان را به ذهن نیاورده باشم. پلیس امنیت مشغول بررسی این موضوع است و اصل خبر را باید از پلیس امنیت سوال کرد.»

صالحی، عضو شورای عالی استان‌ها هم درباره جزییات این حادثه به «اعتماد» گفت: «در بررسی که من انجام دادم، متوجه شدم که این حادثه در حاشیه شهر خرم‌آباد در منطقه‌ای به نام ماسور اتفاق افتاده است. ماسور، چند سالی است که به شهر خرم‌آباد الحاق شده است. بچه‌ها هم تقریبا افراد را شناخته‌اند. به مقامات می‌گوییم که مساله را پیگیری کنند.» او درباره علت این رفتار توضیح داد: «طرف گفته می‌خواهیم به مسوولان بگوییم که آنقدر نگویند که امنیت است، دیدید ما چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم؟» اما حبیب‌الله خجسته‌پور، معاون سیاسی-امنیتی استاندار لرستان فیلم منتشر شده در فضای مجازی مبنی بر تیراندازی در خیابان‌های خرم‌آباد را مربوط به آذرماه سال گذشته دانست.

او در این باره به تسنیم گفت: «در همان زمان عوامل این تیراندازی شناسایی و برخورد لازم با آنها انجام گرفت اما اکنون با توجه به پخش فیلم و اینکه چهره خوبی را از شهر و استان ما معرفی نکرده‌اند، مجددا این افراد دستگیر شده‌اند تا علت ضبط و پخش این فیلم معلوم‌شود.»

معاون سیاسی-امنیتی استاندار لرستان به دستگیری عاملان این ماجرا اشاره کرد و گفت: «با منتشرکنندگان این فیلم برخورد می‌شود.»

همچنین سعید رازانی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان لرستان هم در واکنش به فیلم منتشرشده مبنی بر حضور آزادانه اوباش در خیابانی در خرم‌آباد و تیراندازی با سلاح‌های جنگی گفت: «فیلم منتشره در فضای مجازی که عنوان شده بود در درگیری در خرم‌آباد ضبط شده است، صحت ندارد و فیلم مربوط به تیراندازی در یک عروسی به عنوان یک شادی محلی است. البته پس از اطلاع از این موضوع بلافاصله دستور قضایی جهت جلب متهمان صادر و نهایتا چهار نفر در این رابطه دستگیر شدند.»

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان لرستان ادامه داد: «اتهام دستگیرشدگان اخلال در نظم عمومی از طریق تیراندازی، تخریب اموال عمومی، حمل غیرمجاز اسلحه و ایجاد رعب و وحشت بوده و پرونده این افراد در یکی از شعبات بازپرسی در حال رسیدگی است. بنابراین عنوان درگیری خیابانی در خرم‌آباد اصلا صحت ندارد و دستگاه قضایی در مقابل هر گونه مزاحمت و سلب آسایش مردم با اقتدار خواهد ایستاد.»

در همین حال و بر اساس گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی فرمانداری خرم‌آباد، اسد عبداللهی، فرماندار خرم‌آباد با اشاره به فیلم منتشرشده از تیراندازی در خرم‌آباد گفت: «با توجه به بازتاب منفی این فیلم در افکار عمومی، دستور دستگیری مجدد عاملان تیراندازی داده شد.»

او در این باره توضیح داد: «نهم آذرماه ۹۶ در محله ماسور در جنوب خرم‌آباد سرنشینان خودرو پژوی ۴۰۵ در مراسم عروسی با استفاده از اسلحه جنگی و شکاری مبادرت به تیراندازی هوایی و تخریب اموال عمومی کردند. پس از این عمل خلاف قانون، آنان سریعا شناسایی، ۳ نفر دستگیر و به مدت یک هفته بازداشت‌شدند.»

فرماندار خرم‌آباد ادامه داد: «با توجه به جرایم و دلایل جدید به دست آمده از متخلفین مانند تخریب اموال عمومی، اخلال در نظم عمومی و ایجاد رعب و وحشت، جریحه‌دار شدن افکار عمومی و... مجددا مساله در شورای تامین شهرستان مطرح و دستور دستگیری و پیگرد قانونی داده‌شد.»

به گفته عبداللهی، قطعا با توجه به نوع جرم و بازتاب منفی آن در افکار عمومی و دلایل جدید برخورد قانونی قاطعی در انتظار هنجارشکنان است.

الواعتماد

الو... اعتماد ۶۶۴۲۶۱۹۶ ☎ ۳۰۰۰۴۷۵۳

گزارشی نوشته بودید که گویا در شورای عالی انقلاب فرهنگی موضوع حذف آزمون ورودی دانش‌آموزان در پایه هفتم به مدارس تیزهوشان مطرح بوده‌است. چرا گزارشی تهیه نمی‌کنید و نشان نمی‌دهید که تاکنون بابت برگزاری هر آزمون چقدر هزینه شده است. به جز این، خانواده‌ها بطور متوسط برای آمادگی فرزند یا فرزندان‌شان چقدر هزینه می‌کردند و بعد از این هزینه‌ها چه اثری در زندگی‌شان نمود می‌یافت؟ دستکم من از روزنامه اعتماد انتظار دارم وقتی از حذف آزمون دفاع می‌کنید و نظرات موافقان را مرتب منعکس می‌کنید با تهیه این عدد و رقم‌ها نشان دهید حذف آزمون چقدر می‌تواند اثر مالی داشته باشد و خیلی‌ها اینکه از بابت آنکه پولی به دست نمی‌آورند نسبت به این اقدام اعتراض دارند.

شهرام رفیعی/۰۹۱۶۰۰۰۷۸۶۲

اعضای شورای شهر تهران که مدعی بودند شهرداری را باید به اتاق شیشه‌ای تبدیل شود الان چرا شورا را به اتاق شیشه‌ای تبدیل نمی‌کنند و با مردم شفاف سخن نمی‌گویند. واقعا قرار است چه کسی به عنوان شهردار انتخاب شود و اگر فردا روز شخصی گفت استعفا بدهد آن وقت شهردار برای اعضا چه می‌کند؟

حسن/۰۹۱۲۰۰۰۲۳۲۰

یک فروشگاه در خیابان شریعتی باز شده است که سوسیس و کالباس را در محل تولید می‌کند و می‌فروشد. اما محصولاتش نه تاریخ مصرف دارند و نه مشخص است که این محصول طی چه فرآیندی تولید شده‌است. چگونه می‌توانیم موضوع را پیگیری کنیم؟

میلاد/۰۹۳۶۰۰۰۱۲۸۹

تا روز معلم

ویلسون و غیبتی که برای یک دانش‌آموز رقم زد

علی بهشتی‌نیا

هر قدر هم مدیر و معاون حرفه‌ای باشی کمتر می‌توانی در میان لباس‌های فرم و یکدست بچه‌ها آمدن یا نیامدن دانش‌آموزی را حدس بزنی. به خصوص اگر دانش‌آموز غایب از خوبان مدرسه باشد. اما غیبت و نیامدن محمد را از شلوغی کتابخانه فهمیدیم. محمد، مسوول کتابخانه بود. غیبت چند روزه محمد حساسیت ما را بیشتر و بیشتر کرد. تلفن‌ها یا خاموش بودند یا پاسخ نمی‌دادند، تا زمانی که پدر محمد خبر به کما رفتنش را با چشمانی اشکبار، به ما داد و از ما و معلمان و دانش‌آموزان خواست تا برای محمد دعا کنند. بعد از آن خبر، چند باری هم که پدر محمد به مدرسه آمد از احوال بد و نامساعد شدن وضعیت او سخن می‌گفت و اینکه محمد قدرت تکلم را از دست داده و پزشکان هم در شناخت و درمان بیماری‌اش ناتوان شده‌اند. پاسخ نمونه‌های ارسالی به خارج از کشور هم نیامده بود. محمد دانش‌آموز کم‌حرفی بود و کسی با او خرده‌حسابی نداشت؛ هر گاه از دانش‌آموزان می‌خواستیم برایش دعا کنند، با تمام وجود این کار را می‌کردند. امتحانات ترم اول هم تمام شد و جای خالی محمد همچنان در کلاس و کتابخانه، سخت احساس می‌شد. از ریخت کتابخانه و بچه‌ها، نبودن محمد را خوب می‌شد فهمید. از غیبت محمد چند ماهی گذشته بود که تلفن همراهم زنگ خورد. پدر محمد بود. اما این‌بار متفاوت‌تر از همیشه؛ خبر به هوش آمدن و بازگشت محمد به خانه. محمد بهتر شده بود و این‌بار پدرش به جای دعا از ما خواست، محمد را به مدرسه بیاورد، شاید با دیدن معلمان و دانش‌آموزان فراموشی‌اش بهتر شود. پذیرفتیم و محمد و پدرش به مدرسه آمدند. محمد بسیار وزن کم کرده بود، توانایی صحبت کردن نداشت؛ من و یکی از همکاران با محمد دست دادیم؛ محمد به سختی لبخند زد. پدرش متعجب، لبخندی از شوق و رضایت زد و گفت: فکر کنم محمد شما را شناخت. منتظر تایید ما بود. تایید کردیم. خوشحال‌تر شد و گفت برای امروز بس است؛ شلوغی و سر و صدا برای محمد خطرناک است. موقع رفتن هم گفت: جواب آزمایش‌ها از آلمان آمده، بیماری محمد «ویلسون» است؛ ناشناخته و خطرناک. پزشکان هم گفته‌اند: بیماران ویلسون سه سال زمان نیاز دارند تا به حال طبیعی برگردند. چند روزی هم از این ماجرا گذشت و محمد آرام‌آرام به مدرسه بازگشت. معلمان و دانش‌آموزان به گرمی با محمد برخورد کردند. محمد را در آغوش گرفتند، لبخند زدند. راستش را بخواهید فکر نمی‌کردم دانش‌آموزان اینقدر صمیمی بتوانند با محمد ارتباط برقرار کنند. این رفتارها را بیشتر در فیلم‌ها و داستان‌ها، دیده و خوانده بودم. یک هفته پس از بازگشت محمد، پدرش با چهره‌ای شاد به مدرسه آمد و گفت: محمد حرف می‌زند، ما را هم می‌شناسد، می‌خندد و به شکل باورنکردنی رو به بهبود است. گویا معجزه‌ای رخ داده است. دم مسیحایی معلمان و دانش‌آموزان، محمد را به زندگی دوباره بازگرداند. با قرار پزشکان باید محمد سه سال بعد به وضعیت امروزش بازمی‌گشت. ویلسون، نهنگ آبی، اعتیاد، آسیب‌های اجتماعی، واژگان کوچکی هستند اگر معلمان، مدارس و محمدهای دیگر را دریابیم.

معلم

نگاه مردم

موتورسواری خانم‌ها، راهکار کاهش آلودگی هوا

سیدامیر میری

آلودگی هوای تهران به حدی افزایش یافته که چندین منطقه از شهر تهران در مرحله بحرانی و هشدار برای تخلیه قرار گرفته‌اند. بنابر اعلام وزارت بهداشت سالانه نزدیک به پنج هزار نفر در تهران جان‌شان را بر اثر آلودگی هوا از دست می‌دهند. میزان سرطان نیز متاسفانه بر اثر همین آلودگی هوا، طی چند سال اخیر روند صعودی به خود گرفته است. معضل ترافیک نیز به یکی از بحران‌های شهر تهران تبدیل شده. جای پارک در تهران نیز به قدری کمیاب است که اگر فردی بتواند در برخی از مناطق شهر جای پارک پیدا کند، آن فرد را باید در زمره افراد بسیار خوش‌شانس به حساب آورد. اینها بخشی از معضلات شهر تهران است که امروزه در بسیاری از شهرهای بزرگ و حتی متوسط ایران نیز دیده می‌شود. تهران که همواره آینه ۱۰ سال آینده دیگر شهرهای ایران به حساب می‌آید، امروزه به حدی دچار مشکلات شده که بسیاری بر این باورند که باید پایتخت را به جای دیگری انتقال داد؛ حال باید این مشکلات را که همین امروز در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران دیده می‌شود، طی ۱۰ یا ۲۰ سال آینده در تمامی شهرهای کوچک و بزرگ ایران به نظاره بنشینیم. موضوع آلودگی هوا از تمامی معضلات دیگر در تهران بغرنج‌تر است.

راهکاری که امروز دولت برای مقابله با آن به‌کار می‌بندد، تعطیلی مدارس و دانشگاه‌هاست تا کمی از مشکلات آلودگی هوای شهر بکاهد موضوعی که باعث تمسخر بسیاری از مردم شده و عده‌ای را بر آن داشته که به دولت پیشنهاد بدهند شهر تهران را یکسره تعطیل اعلام کند. با این حال به گفته کارشناسان به غیر از تعطیلی مدارس و همچنین پیشنهاد استفاده از وسائل حمل و نقل عمومی ناکارآمد، باید با یکسری از تمهیدات از میزان خودروهای تک‌سرنشین تهران کاست. امروز بخشی از ترافیک تهران مربوط به خانم‌هاست که برای خرید مجبور به استفاده از خودروهای شخصی‌شان هستند و این یعنی افزایش خودروهای تک‌سرنشین. اگر خانم‌ها بتوانند به جای ماشین از موتوسیکلت استفاده کنند، میزان آلودگی بیش از میزانی که بر اثر تعطیلی مدارس کاسته می‌شود، کاهش خواهد یافت. به علاوه باید میزان کاهش ترافیک و مصرف بنزین را از دیگر مزایای آن به حساب آورد. مشکل اساسی این است که با اینکه مشکل شرعی در این زمینه وجود ندارد ولی به دلیل برخی القائات نادرست در این زمینه هیچ خانمی به فکر استفاده از موتوسیکلت برای حمل و نقل درون‌شهری نیست. اگر به کشورهای آسیایی به ویژه کشورهایی مانند هند، تایلند، ویتنام بروید میزان استفاده از موتوسیکلت توسط خانم‌ها را متوجه می‌شوید. برای مثال فکر کنید اگر خانم‌های ویتنامی در کشوری با مساحت یک پنجم ایران و جمعیتی در حدود ۱۰۰ میلیون نفر، قصد داشتند از اتومبیل برای کارهای روزانه خود که اغلب در اطراف خانه‌های‌شان است استفاده بکنند، چه اتفاقی برای شهرهای‌شان می‌افتاد. در بسیاری از کشورهای جهان موتوسیکلت‌های اسکوتر و برقی برای استفاده خانم‌ها طراحی شده است نه برای آقایان. در انتها باید یاد آور شود که انقلاب اسلامی ایران بسیاری از تابوهایی را شکست که تنها در ذهن‌های مردم وجود داشت. تابوهایی که نه ضد ارزش و نه ارزش بودند. امروزه نیز موتورسواری خانم‌ها که از نظر شرعی دارای اشکال نیست باید مورد تبلیغ قرار گیرد تا بتوان از طریق آن یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کشور که همان آلودگی هوا و ترافیک است را تا حدودی حل کرد. مسائلی مانند شطرنج یا تغییر جنسی افراد دو جنسه که تابو بودند و حتی برخی از نظر شرعی آنها را حرام می‌دانستند با بلند نظری امام خمینی(ره) حل شد و با حل آنها زمینه‌های زیادی برای بهبود و ارتقای وضع جامعه و کشور به وجود آمد. یادمان باشد نیازهای امروز با نیازها و مشکلات گذشته فرق دارند و برای حل آنها باید از تمامی ظرفیت‌های موجود استفاده کرد.

خبر

عضو کانون صنفی معلمان آزاد شد

گروه اجتماعی | روز گذشته محمد حبیبی، معلم و فعال صنفی آزاد شد. حبیبی دوازدهم اسفند ماه سال ۹۶ در مقابل هنرستان محل تدریسش بازداشت شده بود. پس از پیگیری‌های خانواده و سایر فعالان صنفی، سرانجام در آخرین روزهای اسفندماه قرار بازداشت این معلم به وثیقه تبدیل و روز گذشته آزاد شد.

ضرب و شتم فعالان میراث فرهنگی در بافت تاریخی شیراز

گروه اجتماعی | یکی از فعالان میراث فرهنگی شیراز در حالی که برای ممانعت از تخریب خانه‌های تاریخی شیراز به محدوده شرقی حرم شاهچراغ رفته بود، توسط مسوولان طرح توسعه حرم مورد ضرب و شتم قرار گرفت. این فعال حوزه میراث فرهنگی به «اعتماد» گفت: «از ناحیه سر و گردن و دستم آسیب دیدم.» این فعال فرهنگی می‌گوید از کسانی که او را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند شکایت کرده اما هنوز به نتیجه‌ای نرسیده است. بافت تاریخی شیراز از ارزشمندترین بافت‌های تاریخی کشور است که با وجود مخالفت‌های شورای شهر و فعالان میراث فرهنگی این شهر سال‌هاست تخریب می‌شود. به گفته فعالان میراث فرهنگی از سال ۷۴ تاکنون بالغ بر ۹۰۰ پلاک تاریخی در جریان توسعه حرم شاهچراغ تخریب شده است و این تخریب‌ها همچنان ادامه دارد.

جدول

سودوکو

			۶				۸	
				۱	۸		۵	۹
۲			۴			۷		
۵	۹	۱						۴
	۳						۱	
۸						۶		۳
		۵			۴			۲
۱	۴		۲	۳				
	۲				۹			

۱	۲	۵	۷	۶	۴	۳	۸	۹
۶	۹	۸	۳	۱	۲	۷	۴	۵
۳	۷	۴	۹	۵	۸	۲	۱	۶
۹	۴	۷	۶	۲	۵	۱	۳	۸
۸	۱	۲	۴	۳	۹	۶	۵	۷
۵	۶	۳	۱	۸	۷	۴	۹	۲
۴	۸	۹	۲	۷	۳	۵	۶	۱
۷	۵	۶	۸	۴	۱	۹	۲	۳
۲	۳	۱	۵	۹	۶	۸	۷	۴

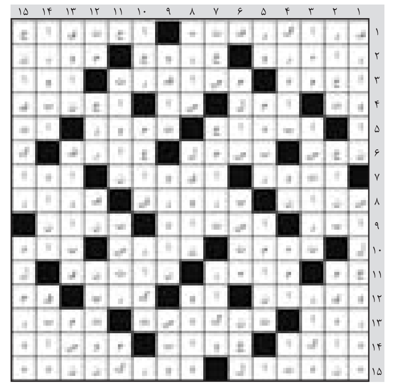

متقاطع

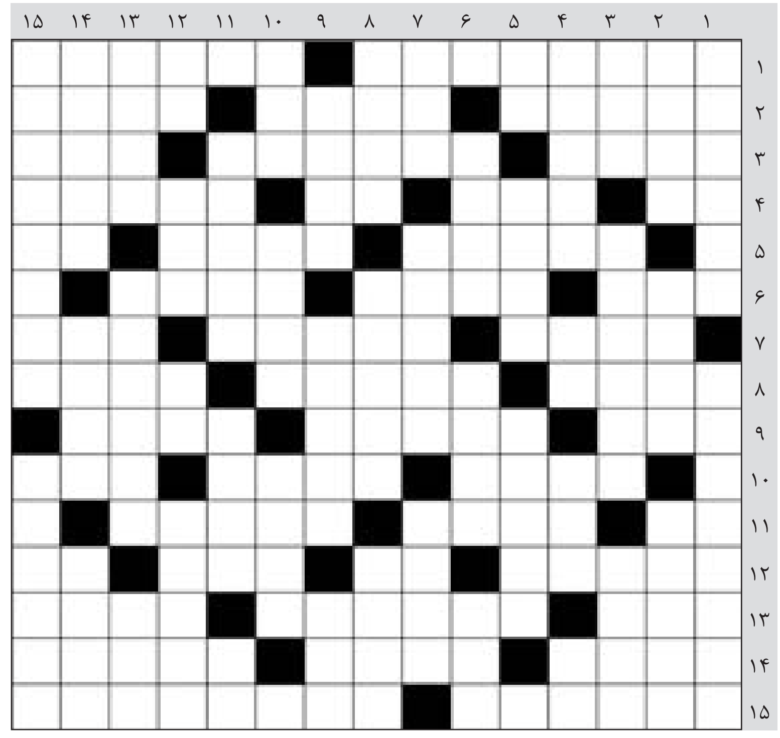

افقی

۱-از اثرهای معروف شیخ محمود شبستری - بتکده معروف هند
۲-فواره - واحد پول چین - قلم نی
۳-خدمتکار پیر - شبیه یکدیگر - قدم
۴-در بازی می‌زنند - رو‌انداز خواب - خاک صنعتی - کثرت آمد و شد
۵-نمایشگاه نقاشی - نامدار - درخت مورد
۶-ذبح شتر - آسوده و آرام - تخته رنگ نقاش
۷-همراه تیر می اندازند - عید حاجیان - سخن شیوا
۸-انبان - ماما - فیلمی از محسن مخملباف
۹-بیسواد - مدارک - عنصر الماس
۱۰-آداب - از مرکبات - اسم
۱۱-حرف توفیر - متکبر - پیشوای دینی در آیین زرتشتی
۱۲-بشر و آدمی - علامت مفعولی - خطا و اشتباه - خواست عرب
۱۳-جایز - از شهرهای سمنان - از اسماء حسنی به معنای بزرگ
۱۴-شقایق وحشی - قنداق - هامش نویسی
۱۵-خنده ای از روی خشم - ساتر

عمودی

۱-از شهرهای خوزستان - از شهرهای کردستان
۲-ساربان - فیلسوف و دانشمند - شاعر معاصر سلطان سنجر
۳-کشور عجایب - قشلاق - فرآیند ساییدن
۴-ترموستات - از نهاد برآید - سرزمین بلقیس - حرف دردی
۵-رمق آخر - اختراع گراهام بل - تخت
۶-فریاد شادی - سهم - جوانمرد
۷-از حروف الفبا - زردی - پیش از ورزش
۸-فریاد بلند - الک کردن - جلگه وسیع
۹-از یاد بردن - شهرداری - بازگشت صدا
۱۰-مراسم و آیین ها - لشکر و قشون - امکان پذیر
۱۱-علاج - تنور آجر پزی - عضو دونده
۱۲-دست مالیدن - چاه جهنم - حرف نگفتنی - از شهرهای آذربایجان غربی
۱۳-قوم مار پرست هند - فتراک - پایتخت سوئیس
۱۴-منطقه تفریحی کرج - حمام بخار - مکار و حیله گر
۱۵-دماپا - جلسه آشنایی